

اندرزنامه



(قدس سره)

حضرت شیخ محمد عثمان سراج الدین نقشبندی

ای برادر در طریق نقشبند
ذکر حق را در دل خود نقش بند



هر کس هنگام غروب سه مرتبه این ذکر را بگوید بهشت برای او واجب می‌شود.

رَضِیتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَ بِالإِسْلامِ دیناً وَ بِمُحَمَّدٍ ﷺ نَبِیّاً وَ رَسُولاً

هر کس صبح و غروب ۳ مرتبه بگوید هیچ ضرری به او نمی رسد

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی لا یَضُرُّ مَعَ إِسْمِهِ شَیءٌ فِی الأَرضِ وَ لا فِی السَّماءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ العَلِیم

چاپ و نشر توسط مؤسسه خیریه سراج الخیرین کردستان

تلفن: ۰۹۱۸۳۸۰۹۱۴۱ - ۳۳۱۶۹۰۳۱

شماره حساب بانک ملت:(۳۳۱۴۱۴۴۳۳۲)

شماره ملت کارت به اسم مؤسسه سراج الخیرین کردستان

۶۱۰۴ ۳۳۷۹ ۶۵۳۴ ۷۷۶۶

آدرس: سنندج خیابان اردلان بالاتر از شیرینی عسل

قال رسول الله ﷺ فرمودند: دو کلمه وجود دارند که بر زبان سبک ولی در ترازوی اعمال سنگین و نزد خداوند محبوب‌اند

سُبحَانَ اللهِ وَ بِحَمدِهِ سُبحَانَ اللهِ العَظِيمِ

اللّهُمَّ صَلِّ وَ سَلِّمْ وَ بَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آدَمَ وَ نُوحٍ وَ إبرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

***

خدایا درود و سلام برکت بفرست بر سرور ما محمد ﷺ، و آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و سایر پیامبران و رسولان میان آنها درودها و سلام خدا بر همه‌ی آنان.

(هر کسی آن را سه مرتبه بخواند گویا کتاب دلائل الخیرات را خوانده است).

بسم الله الرحمن الرحیم

اندرزنامه حضرت شیخ محمد عثمان سراج الدین ثانی ﷺ

اشاره: آنچه در پی می‌آید ترجمه اندرزنامه حضرت شیخ محمد عثمان سراج الدین ثانی است به همه مسلمانان و پیروان طریقت نقشبندی. آن مرشد بزرگوار این اندرزنامه را یک سال و چند ماه پیش از درگذشت خویش به زبان کردی نوشته است این متن در همان ایام منتشر شده از آنجا که این توصیه نامه حاوی اندرزهایی بسیار ارزشمند و اسلامی و انسانی است بر آن شدیم تا ترجمه آن را در اختیار مریدان و علاقمندان قرار دهیم شایان ذکر است که حضرت شیخ محمد عثمان در پایان این پیام تأکید کرده است که هر کس این پندها را پذیرا شود و به آنها عمل کند، ما هرگز او را فراموش نمی‌کنیم و در قبال او مسئول خواهیم بود.

پیام حضرت شیخ محمد عثمان سراج الدین

به همه مریدان و منسوبان

طریقه شریفه نقشبندیه

بسم الله الرحمن الرحیم

هذا بَلاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِیُنْذَرُوا بِه [ابراهیم / ۵۲]

به قاطبه علاقمندان و مریدان راه خداشناسی و طریقه مبارکه نقشبندیه و علما و حلقه‌داران ختم و همه پیروان طرایق؛

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

در روزگاری که عامّه مسلمین در تنگنا و وضعیتی سخت قرار دارند و دین اسلام غریب

شده و هزاران توطئه‌گر جهنمی، برای ایجاد اختلاف و فتنه و با شکست مواجه کردن نقش مسلمانان حقیقی، نقشه‌های شوم می‌کشند، در چنین حالتی آن کس که بر روش و سنت حضرت محمدﷺ برود و با نفس امّاره خویش جهاد کند و اخلاق نیک مردان را مدّ نظر قرار دهد و ثروت و طمع دنیوی، وی را پریشان حال نکند چنین کسی در مسابقه زندگی برنده خواهد شد و نور خدا دل و درونش را روشن خواهد کرد: «مَنْ کانَ لله فَقَدْ کانَ اللهُ لَه وَ مَنْ عَمِلَ بِما یَعْلَمُ اَوْرَثَهُ اللهُ عِلْمَ ما لَمْ یَعْلَمْ»: هر که بدآنچه که

می‌داند رفتار کند، خداوند چیزی را که نمی‌داند به وی می‌آموزد.

در این زمان، ملت کُرد نیز در وضعیتی است پر از خطر و نگرانی. از هر سو راه بی‌دینی و مکاتب و برنامه‌های دور از حقیقت، احاطه‌اش کرده‌اند و هر شخص، گروه و طرفی به گونه‌ای و عنوانی این مردم را می‌فریبد. فقر و جهل و بی‌سوادی بسیاری از مردم و عدم فهمشان نسبت به حقیقت اسلام کاری کرده است که آنان به هر سازی می‌رقصند و سر و صدای این رقص ناشیانه هم جلوی بینایی و بصیرت آنها را

می‌گیرد و به مسئولیت خود در درگاه پروردگار نمی‌اندیشند به همین دلیل است که بر مریدان راه تصوف و طریق نقشبندی لازم است که با دلسوزی و اخلاق و با همه وجود، دین خدا را ابلاغ کنند «اَلا لِلّهِ الدِّینُ الْخالِصُ» [زمر/۳]. و هر وعده‌ای که دادند صادقانه بر آن پایدار بمانند: «وَ اَوْفُوا بِالْعَهْدِ اِنَّ الْعَهْدَ کانَ مَسْئُولاً» [اسراء/۳۴]. و در موضوعات و بحث‌هایی که حقی و مسئولیتی در آن ندارند و از آن آگاه نیستند، دخالت نکنند: «وَ لا تَقْفُ مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ اُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» [اسراء / ۳۶].

مریدان ما باید که با حکمت و دوراندیشی بزینند
و با عصبانیت و تندخویی با مردم زندگی و
برخورد نکنند. زیرا [در صورتی که با جهل و
تعصّب رفتار کنید] افراد ملت از شما دوری
خواهند گزید: «وَ لَوْ كُنْتَ فَظّاً غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَ
نْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» [آل عمران / ۱۵۹]. و باید که
با مخالفان و دشمنان راه شریعت و طریقت هم
بدین شیوه رفتار کنند که قرآن می‌فرماید: «اُدْعُ
اِلى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ
جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ» [نحل / ۱۲۵].

به هیچ وجه نباید بدگویی، تکفیر و فاسق دانستن آنان به زبانتان جاری و یا در دلتان ماندگار شود چرا که آنان اگر بی‌باور باشند، بدگویی از آنها و برنامه‌هایشان، کاری می‌کند که آنان نیز به اسلام و مقدّسات آن بی‌ادبی کنند و آنگاه شما هم در این کار مسئول خواهید بود: «وَ لا تَسُبُّوا الَّذِینَ یدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَیسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَیرِ عِلْم» [انعام/۱۰۸]. و اگر هم مسلمان باشند مطابق حدیث پیامبرﷺ: اگر مسلمانی مسلمان دیگر را تکفیر کند و تهمتش راست و درست باشد تنها خبری از واقعیتی داده ولی اگر کافر

نباشد یا حتی کافر تمام نباشد، در آن صورت آن کلمه و اتهام کفر، به کسی بر می‌گردد که گفته است - اعاذنا الله! - «اِذا قالَ الرَّجُلُ لِاَخیه یا کافِر فَقَدْ باءَ بِها اَحَدُهُما فَاِنْ کانَ کَما قالَ وَ اِلاّ رَجَعَتْ عَلَیْهِ» [متفقٌ علیه].

از همین روست که این لفظ و امثال آن به هیچ روی نباید در میان مریدان و منسوبان طریقه نقشبندی، به کار برده شود. اگر نه، چنین کسی از راه و دستور ما کناره گرفته است.

راه تصوّف، یک نعمت بزرگ خداوندی است برای افرادی مخصوص و ویژه و برگزیده از میان

مسلمانان، و آن کس که آمادگی در بر کردن چنان خلعت والایی را نداشته باشد، نمی‌تواند آن را با زور و فشار تصحاب کند، زیرا که اسلام - که سرچشمه این طریقت است - نمی‌خواهد که مردم به زور و اجبار از آن پیروی کنند: «لا إِکراهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَی»[بقره/۲۵۶].

برادران و خواهران مسلمان! مریدان طریقه نقشبندیه!

کاری کنید که مردم از طریق رفتار والای شما، عاشق راه اسلام شوند، نه این که به علت عملکرد افراد بدکردار، دوستان را هم بگریزانید و

مخالفان را بیدار و دشمنان را زنده کنید و با رفتار و اندیشه نادرست، مردم را در سنگر دشمن طریقه خودتان به صف کنید. طریقه ما، خودنمایی و کرامت بافی و پرورش نفس و فریب دادن مردم نیست؛ طریقه ما، نقشه کشیدن و حزب گرایی نیست که فقط عده مخصوصی را در برگیرد و آنکه با ما نیست بد و دشمن قلمداد شود.

ما، باید بر راه و روش حضرت پیامبرﷺ برویم که می‌فرماید: «اَنْزِلُوا النَّاسَ مَنازِلَهُمْ» (مردم را در جایگاه خود بنشانید) و «خَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ

حَسَنٍ» (با مردم به نیکی رفتار کنید) و «خَاطِبُوا النَّاسَ عَلی قَدَرِ عُقُولِهِمْ» (با مردم در خور فهم آنان سخن گویید). آن رهبر [بزرگ]، رحمت است برای همه عالَم، بنابراین طریقت ما هم نباید از آن راه مستقیم کنار بزند و [باید] همه افراد را با دیدی یکسان نگاه کند، چنان که قرآن می فرماید: «اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ»[حجرات/۱۰]. و با خوب و بد آنان دلسوزی ورزند تا نور خدا با دل آنان آشنایی یابد و همّت اولیا و دلسوزی و اخلاص شما، آنان را گرد هم آورد و جامعه‌ای خداپرست و راستگو و دلیر و توانا از آن ایجاد

شود که در کنار عزّت اسلام، زندگی را به سر برند و اسلام و مسلمانان به وسیله آنان سربلند و مفتخر و شادمان شوند، چنان که حضرت عمر رضی الله عنه می‌فرماید: «نَحْنُ قَوْمٌ اَعَزَّنَا اللهُ بِالاِسْلامِ فَمَهْمَا اِبْتَغَينا الْعِزَّةَ مِنْ غَيرِ اللهِ اَذَلَّنَا اللهُ» (ما گروهی بودیم که خداوند، ما را با اسلام عزّت بخشید، پس هرگاه از غیر خداوند عزّت و سربلندی طلب کنیم خداوند ما را خوار و ذلیل می‌کند).

تمام آنان که تمسّک کرده‌اند، باید عاقلانه و با هوشیاری و منطق اسلام حرکت و زندگی کنند و از فرمایش خدا و پیغمبر خدا ﷺ و راه اسلام

منحرف نشوند و باید به یکی از چهار مذهب [معروف] اسلامی پایبند باشید، بدون هرگونه انحراف و تلفیق [بین مذاهب] و تتبّع رُخَص (جستجو و اعمال قواعد و احکام ساده در مذاهب). و امام مذهب ما، حضرت شافعی﷫ است و آنها که [از این مذاهب و دین اسلام] کنار زده و گمراه شده‌اند، زیانی به شما نمی‌رسانند: «یا اَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیکُمْ اَنفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَن ضَلَّ اِذَا اهْتَدَیتُمْ»[مائده/۱۰۵].

خداوند صاحب این سخن صحیح را حمت کند که ما هم با او می‌گوییم: «مَنْ تَفَقَّهَ وَلَمْ

يَتصَوَّفْ فَقَدْ تَفَسَّقَ وَ مَنْ تَصَوَّفَ وَ لَمْ يَتفَقَّهْ فَقَدْ تَزَنْدَقَ وَ مَنْ جَمَعَ بَينَهُمَا فَقَدْ تَحَقَّقَ» (آنكه علم فقه آموخت اما خود را تصفيه نكرد - يا راه تصوف در پيش نگرفت - بدرستى كه راه فسق برگزيد و آنكه به تصوف پرداخت و از علم فقه بى‌بهره ماند بدرستى كه راه زنديقى در پيش گرفت اما كسى كه هر دو را جمع كرد؛ حقا كه به حقيقت پيوست).

حضرت امام شافعى رحمه الله هم مى‌فرمايد: فَقيهاً وَ صُوفياً فَكُنْ لَيسَ واحِداً فَانِّى وَ حَقِّ اللهِ اِياكَ اَنْصَحُ

فَذلِکَ قَاسٍ لَمْ یَذُقْ قَلْبُه تُقی وَ هذا جَهول، فَکَیفَ
ذُوالجَهلِ یصلُحُ

یعنی: هم فقیه و هم صوفی باش، نه فقط یکی از آن دو، به خدا سوگند، من پند دهنده تو هستم، زیرا آن (فقیه بی‌تقوی)، قساوت قلب دارد و مزه پرهیزکاری را نچشیده است و این (صوفی بی‌علم)، جاهل است، چگونه اصلاح می‌پذیرد؟

مسلمان ارجمند!

راه تصوف، پایبندی به شریعت اسلام است و [شریعت و طریقت] هرگز از هم‌دیگر جدا

نخواهند شد و اینجانب هم، خـود را خدمتگـذار اسلام و شـریعت مقـدس آن مـی‌دانـم و مطمـئن هستم که طریق نقشبندی سالم‌ترین و آسان‌تـرین و نزدیک‌ترین راه بسوی خداوند است. و خود را علاقمند و دلسـوز امـت پیـامبرﷺ مـی‌دانـم و بـه همین خاطر اسـت کـه بسیار صـمیمانه از شـما درخواست می‌کنم که خود را به ایـن راه درسـت نزدیک سازید تا با نور خدا آشنا شوید.

[مراسم] ختم و عبادت خود را گـرم‌تـر و بـا رونـق‌تـر کنیـد و ذکـر و یـاد خداونـد را ورد شبانه‌روز خود سازید. دلهای خویش را بـا یـاد و

رابطه، آباد و گشوده کنید و با حرام‌خواران و اهل دنیا آن قدر رفت و آمد نکنید که به جای آن که شما، آنها را اصلاح کنید، آنان شما را تغییر دهند و در شما تأثیر بگذارند. هر کس کار و درس و وظیفه خود را - که به او سپرده شده - به خوبی انجام دهد و نصیحت و پند مرا هم به نیکی بپذیرد. «اَللّٰهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَلَّغْتُ». آنکس که از این [وصیت و نصیحت] سرباز زند، من از او تبری می‌جویم و هر کس بدان پایبند باشد و همه‌اش را اجرا و عملی کند، به حول و قوت و یاری خدا،

هرگز او را فراموش نمی‌کنیم و در قبال او مسئول خواهیم بود.

وصیت نهایی من هم این سه نکته است که مرید راستین باید آن را عملی سازد:

۱. [مرید] در حالت جذبه، تا می‌تواند باید خویشتن‌دار باشد و جلوی خود را بگیرد و از حیله و فریب نفس و شیطان پیروی نکند و باید که از – به اصطلاح – جذبه غیر حقیقی دور باشد، زیرا صاحب آن، از آن زیان فراوان می‌بیند [این جذبه] در مجلس ختم هم سردی ایجاد می‌کند. مریدان عالم و سر حلقه‌های ختم نیز باید

با آگاهی و حکمت و نصیحت دلسوزانه این کسان را از آن کار منع کنند.

۲. خانواده و فرزندان مریدان، باید از هر لحاظ محجّب‌تر و مؤدّب‌تر و مؤقّرتر باشند و در جهت اصلاح آنها، از هیچ کوششی دریغ نشود.

۳. دنیا و سیاست و سیاستمداران، همه می‌آیند و می‌روند و در گذرند، [اما] دین خدا، پیوسته با حال خود باقی می‌ماند. و بر همین اساس، هدف ما هیچکدام از اینها [و چیز دیگری] نیست جز به جا آوردن مسئولیتهای بارگاه خداوند و کسب رضایت پروردگار.

در خاتمه، شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم،

همّت اولیاء و نیک مردان مددکارتان باد.

هذا بَیانٌ لِلنّاسِ وَ هُدیً وَ مَوْعِظَةٌ لِلمُتَّقِین

[آل عمران/۱۳۸]

وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ.

خادم العلماء و الفقراء

محمد عثمان

سراج الدین النقشبندی

استانبول ۱۹۹۵/۵/۵ ذی الحجة ۱۴۱۵ [۱۳۷۴/۲/۱۵ ش].